

پارادایم تاریخ‌نگاری نظامی محمدجواد مشکور

ابراهیم اصلانی ملایری؛* رضا محمدی؛** سعیده سلطانی مقدم***

چکیده

تاریخ‌نگاری از زمان باستان تا امروز، رویکردهای متفاوتی را پشت سر گذاشته و برحسب پارادایم‌های متفاوت، اشکال متفاوتی از تاریخ‌نگاری شکل گرفته است. اساساً تاریخ‌نگاری در ایران تا دوره مشروطه، تاریخ‌نگاری سیاسی - نظامی است و آشنایی با روش و بینش‌های جدید تاریخ‌نگاری از دوره مشروطه به بعد، باعث برآمدن گفتمان‌های گوناگون تاریخی شد. از جمله مهم‌ترین مورخین دوره پسا مشروطه، می‌توان به محمدجواد مشکور اشاره کرد. تاریخ‌نگاری محمدجواد مشکور متأثر از دوره پهلوی است و تاریخ‌نگاری نظامی او در این گفتمان رشد یافته است. از این‌رو این پژوهش در نظر دارد تا با روش توصیفی - تحلیلی تاریخ‌نگاری نظامی او را مشخص کند و سعی می‌کند به این سؤال پاسخ گوید که پارادایم تاریخ‌نگاری نظامی مشکور چیست؟ یافته‌های پژوهش حکایت از این امر دارد که مشکور در تاریخ‌نگاری نظامی خود رویکردی اثبات‌گرایانه دارد. چراکه به نظر می‌رسد مشکور به لحاظ هستی‌شناسی قائل به واقع‌گرایی بود و صرفاً به شناخت واقعیت‌های تاریخی اهتمام ورزید و به لحاظ معرفت‌شناسی محقق و سوژه‌های مورد تحقیق را موجودیت‌های جدا از یکدیگر می‌دانست که از یکدیگر تأثیر و تأثر نمی‌پذیرند و گذشته را به سان یک واقعیت ثابت می‌دانست و این واقعیت‌گرایی جایی برای نسبی‌گرایی نمی‌گذارد و از منظر روش‌شناسی قائل به روش توصیفی تحلیلی بود.

* نویسنده مسئول: هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه اراک. aslani.ebrahim@gmail.com

** دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

reza.muhammadi90@gmail.com

*** دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

saeedesoltanimoghadam@gmail.com

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵ | DOI:10.29252/HSOW.5.1.1

واژگان کلیدی: محمدجواد مشکور، تاریخ‌نگاری نظامی، پارادایم، اثبات‌گرایی

۱. مقدمه

تاریخ‌نگاری محصول گفتمان‌های متفاوت است و در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، تاریخ‌نگاری متفاوت شکل می‌گیرد. بنابراین احکامی که هر یک از اندیشمندان در خصوص ماهیت، امکان و اعتبار شناخت تاریخی صادر کرده‌اند، متکی به جهان‌بینی، جامعه و زمانه‌ی آنان پیرامون ماهیت شناخت بوده است. یونانیان باستان ریاضیات را در کانون توجه خود قرار داده بودند و لذا نظریه‌ی شناخت خود را بر اساس ساختار ریاضیات انتزاع می‌نمودند. در عصر قرون‌وسطا دین در مرکز توجه قرار داشت و لذا مبحث فلسفه و معرفت‌شناسی به سمت الهیات سوق پیدا کرده بود. آغاز قرون جدید هم‌زمان بود با رشد علوم طبیعی و لذا نظریه‌ی شناخت در قرون جدید متمرکز بر رابطه‌ی بین انسان به‌عنوان فاعل شناسا و جهان طبیعی به‌عنوان متعلق شناسایی شد. فیلسوفان قرون جدید به‌مانند اسلاف یونانی خویش یک حوزه‌ی پژوهشی را مبنای انتزاع نظریه‌ی شناخت خود قرار دادند. آنچه این دو را از هم متمایز می‌ساخت، نقطه‌ای بود که این انتزاع می‌بایست از آن ریشه بگیرد. یونانیان ریاضیات را و فیلسوفان قرون جدید، علوم تجربی را مبنای قرار دادند (مفتخری، صیامیان و موسوی، ۱۳۹۳: ۲۶).

سیر تاریخ‌نگاری در ایران نشان می‌دهد که در ماهیت گفتمانی و کارکردی تاریخ‌نگاری ایران تا دوره مشروطه دگرگونی مهمی رخ نداده است و تاریخ‌نگاری در وجهه غالب، عبارت بود از ثبت و ضبط اقدامات پادشاهان و امیران و خلفا و سلاطین. با پیروزی انقلاب مشروطه گسست معناداری در روند تاریخ‌نگاری ایران اتفاق افتاد که پیامد آن افول موقتی تاریخ‌نگاری سنتی و برآمدن گفتمان‌های گوناگون تاریخی بود. با افول گفتمان مشروطه‌خواهی و انتقال سلطنت از خاندان قاجار به خاندان پهلوی تاریخ‌نگاری شکل جدید به خود گرفت که به چند دلیل دارای اهمیت است: فراوانی و تنوع آثار، سبک و روش، کارکردهای گفتمانی خاص و پیوند این تاریخ‌نگاری با نهاد قدرت و ایدئولوژی حاکم و درنهایت به دلیل شباهت‌های ماهوی آن با تاریخ‌نگاری پیش و پس از خود (ملایی توانی، ۱۳۹۵: مقدمه).

مشکور (۱۲۹۷-۱۳۷۴) به‌عنوان مورخی که غالب زندگی خود را در دوره پهلوی به سر برده است؛ به نظر می‌رسد که بی‌تأثیر از گفتمان تاریخ‌نگاری دوره پهلوی نیست و

تاریخ‌نگاری نظامی وی نیز از این امر مستثنی نخواهد بود. از این رو این پژوهش سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که پارادایم تاریخ‌نگاری نظامی مشکور چیست؟ و چه نقدی بر آن می‌توان داشت؟ مدعای ما بر این است که مشکور در یک پارادایم اثبات‌گرایی تاریخ می‌نویسد.

در خصوص پیشینه پژوهش بایستی خاطر نشان ساخت تاکنون پژوهشی مستقل در خصوص این موضوع صورت نگرفته است؛ لذا سعی پژوهش حاضر بر تحلیل و بررسی دقیق و موشکافانه آن است.

تعریف مفاهیم

• پارادایم

کتاب کوهن (۱۹۶۰) با عنوان ساختار انقلاب‌های علمی مستقیماً دربرگیرنده مفهوم و تعاریف پارادایم به‌عنوان شیوه خلاصه‌سازی باورهای محقق درباره تلاش‌های وی جهت خلق دانش است (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۷). نیومن (۲۰۰۶) و مورگان (۲۰۰۷) بر این باورند که مفهوم پارادایم در علوم اجتماعی به چهار معنا به کار می‌رود که عبارتند از: پارادایم چون جهان‌بینی، پارادایم به‌معنای موضع معرفت‌شناختی، پارادایم به معنای باورداشت‌های مشترک در یک حوزه پژوهشی و پارادایم به‌مثابه نمونه‌های مدل. پارادایم به معنای جهان‌بینی، وسیع‌ترین تعریف را شامل می‌شود که دربرگیرنده باورها، اخلاق، ارزش‌ها و غیره است. در این مقاله، پارادایم به معنای جهان‌بینی عمومی مدنظر قرار گرفته است.

باورداشت‌های بنیادی که پارادایم پژوهش را تعریف می‌کنند و پاسخ‌هایی که توسط مدافعان آنان ارائه شده، در قالب سه پرسش هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خلاصه شده است که این پرسش‌ها چهارچوب مقاله را نیز شکل می‌دهد. پرسش‌های هستی‌شناسانه تنها به آن دسته از سؤال‌هایی که در ارتباط با موجودیت و کنش‌های واقعی هستند پاسخ می‌گویند. مثلاً شکل و ماهیت واقعیت چیست و چه چیزی وجود دارد که می‌توان در مورد آن شناخت حاصل کرد؟ پرسش‌های معرفت‌شناسانه به ماهیت رابطه بین شناسا (مفهومی فلسفی است که در مقابل ابژه قرار می‌گیرد) و شناخته (آنچه شناخته می‌شود) می‌پردازد و پاسخی که می‌توان به این پرسش داد، تحت تأثیر پاسخی است که قبلاً در بخش هستی‌شناسی به آن داده شده

است. تلاش‌های روش شناسان در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که پژوهش‌گر چگونه می‌تواند به یافتن و شناسایی پدیده‌ها بپردازد که باور دارد می‌تواند شناخته شود؟ پاسخ به این پرسش نیز با ارجاع به پاسخ دو پرسش معرفتی و هستی‌شناسی قبلی همراه است (همان: ۲۸-۳۰).

• پوزیتیویسم یا اثبات‌گرایی

پوزیتیویسم را شاید بتوان به‌عنوان فلسفه در خدمت علم طبیعی تعریف کرد (کالینگوود، ۱۳۸۹: ۱۶۳) که سابقه آن به دوره رنسانس علمی قرن ۱۴ تا ۱۶ میلادی بازمی‌گردد و بانی آن را فرانسیس بیکن (۱۵۱۶-۱۶۲۶) می‌دانند (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۷). با آغاز قرن هفدهم شاهد رشد گسترده‌ی علوم طبیعی هستیم. درحالی‌که این علوم به رشد فزاینده‌ی خود ادامه می‌دادند، علوم انسانی در رکود و خمودگی به سر می‌برد. این شرایط باعث طرح این پرسش شد که آیا علوم انسانی از جمله تاریخ از سطح پایین‌تری از علمیت در مقایسه با علوم طبیعی برخوردار است. شماری از اندیشمندان، از پذیرش این ایده سرباز زدند و با تلقی علوم طبیعی به‌مثابه‌ی الگوی صحیح هرگونه شناخت، خواهان پیروی تاریخ و سایر علوم انسانی از علوم طبیعی جهت رفع کاستی‌ها و نقاط ضعف شدند. این دیدگاه معرفت‌شناسانه که با دو تعبیر طبیعت‌گرایی یا اثبات‌گرایی از آن یاد می‌شود، درنهایت در قرن نوزدهم غلبه یافت (مفتخری، صیامیان و موسوی، ۱۳۹۳: ۳۴).

۱. نگاهی به پیشینه تاریخ‌نگاری نظامی

تاریخ‌نگاری ترجمه کلمه historiography به معنای نگارش و تدوین تاریخ است؛ بنابراین تاریخ‌نگاری را باید یک روش تفکر، یک نوع رفتار علمی و یک شیوه عمل فرهنگی دانست که در قالب یک پیام زبانی عرضه می‌شود (ملایی توانی، ۱۳۹۵: ۳). تاریخ‌نگاری نظامی از قدیمی‌ترین گونه‌های تاریخ‌نگاری است؛ چراکه پیوند ناگسستنی با مسائل سیاسی داشته است. اساساً تاریخ‌نگاری تا دوره مدرن، تاریخ‌نگاری سیاسی - نظامی است. ذکر فتوحات شاهان، جنگ‌ها، شکست‌ها، محل نبرد و شیوه آن و انواع سلاح‌ها و تعداد نفرات (که در اغلب اوقات بزرگ‌نمایی شده و تعداد نفرات دشمن بیش از تعداد معمول و جمعیت آن روز بیان شده است) عبارت معمول در تاریخ‌نگاری سنتی است؛ برای مثال کتیبه‌ها و حجاری‌های شاهان هخامنشی و ساسانی، به تعبیری

در ذیل تاریخ‌نگاری نظامی قرار می‌گیرد. در بین یونانیان نیز اولین کتابی که چنین مفاهیم و موضوعاتی را تبیین می‌کند، مربوط به تاریخ جنگ‌های پلوپونزی می‌شود که به قلم توسیدید نگارش یافته است. توسیدید مورخ یونانی ۴۶۰-۳۹۵ ق م، اوضاع ایران را نیز در جنگ‌های پلوپونز که بین اسپارت و آتن واقع شده شرح داده است. نمونه دیگر، گزنفون مورخ و فیلسوف یونانی ۴۳۰ تا ۳۲۵ از شاگردان سقراط است که سفر جنگی کوروش کوچک و عقب‌نشینی ده هزار یونانی را به نگارش درآورده است. (مشکور، ۱۳۶۳: ۵۰) پروکوپ قیصر نیز، مورخ بیزانسی (روم شرقی) در آخر قرن ۵ میلادی است که منشی سردار معروف رومی بلیزار بود و کتاب خود را *historikon* نامیده است. قسمت جنگ‌های ایران و روم این مورخ را آقای محمد سعیدی به فارسی ترجمه کرده است. (همان: ۵۲)

مورد دیگر کارنامه اردشیر بابکان است که در لغت یعنی کار و هنر و صنعت و به معنی جنگ‌نامه و تاریخ نیز آمده است. این اثر به اهتمام مشکور بازخوانی شده و در آن شرح جنگ‌های اردشیر بابکان گزارش می‌شود. در بخشی از این اثر آمده «اردشیر، بکار زار با اردوان آمده و آن سپاه وی را جمله بکشت دارایی و خواسته و ستور و بنه از او بستد و خود به استخر بنشست و از کرمان و مکرستان و پارس ناحیه به ناحیه سپاه بی‌شمار گرد کرده و بکار زار اردوان فرستاد. چهار ماه همه‌روزه کارزار و کشتار بسیار بود. اردوان از ناحیه به ناحیه کشور چون ری و دماوند و دیلمان و پشتخوار گر سپاه و آخور خواست از آنجایی که فره کیان با اردشیر بود فیروزی یافت» (مشکور، ۱۳۲۹: ۶-۱۵-۱۸)

در دوره اسلامی و با نزول قرآن و آیات جهاد چون آیه «کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ» (قرآن کریم: سوره بقره، آیه ۲۱۶) مسائل نظامی و به تعبیری تاریخ‌نگاری نظامی شکل می‌گیرد. پس از آن اولین تاریخ‌نگاری‌ها در اسلام نیز تاریخ‌نگاری نظامی است؛ مانند مغازی، رده، سیره و مقتل و... به‌طور مثال ابوالعباس احمد بن یحیی بن جابر بن داود البلاذری بغدادی متوفی ۲۷۹ ه. ق در کتاب فتوح البلدان درباره شهرهای ایران که به دست عرب فتح شد، اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد (مشکور، ۱۳۶۳: ۵۳).

همین روند تاریخ‌نگاری سیاسی نظامی تا دوره مشروطه ادامه یافته و مسائل سیاسی نظامی از مهم‌ترین گونه‌های تاریخ‌نگاری بود. مواجهه روشنفکران ایران با غرب و یادگیری و ترجمه آثار آنان باعث شکل‌گیری روش‌های جدید در تاریخ‌نگاری شد.

روشنفکران با فراگیری روش جدید تاریخ‌نگاری، از تاریخ‌نگاری سنتی و توصیفی مبتنی بر تاریخ سیاسی - نظامی صرف، به‌نوعی تاریخ‌نویسی جدید روی آوردند که نمونه آن را می‌توان در آثار و نوشته‌های نصرالله فلسفی (پورفیاض، ۱۳۹۶: ۳۷) و محمدجواد مشکور و دیگر هم‌قطاران ایشان جستجو کرد. این نسل از تاریخ‌نگاران سعی نمودند تا به‌صورت اجمالی به تمام مسائل سیاسی، نظامی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگ، هنر، اندیشه و... بپردازند.

۲. زندگی‌نامه محمدجواد مشکور

محمدجواد مشکور در ۱۲۹۷ خورشیدی در محله سنگلج تهران به دنیا آمد. پدر او علاءالدین نواده شیخ علی ارموی از علمای بزرگ ارومیه بود که در نجف اشرف در محضر عالمان بزرگ روزگار مانند آخوند خراسانی و آقا ضیاءالدین عراقی به تحصیل پرداخت. مشکور تحصیلات ابتدایی را در مدرسه تمدن و تحصیلات متوسطه را در مدرسه دارالفنون گذراند. سپس به دانشسرای عالی و دانشکده معقول و منقول رفت و در ۱۳۱۸ خورشیدی موفق به اخذ درجه کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد، پس‌از آن مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت. بدین ترتیب مشکور زندگی تحصیلی خویش را بر پایه تاریخ، دین، تاریخ فرقه‌های اسلامی و همچنین ادبیات استوار کرد. وی از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۸ خورشیدی به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود.

مشکور پس از پایان دوره کارشناسی ارشد برای تحصیل در دوره دکتری تاریخ، راهی دانشگاه سوربن فرانسه شد و نزد استادان برجسته‌ای چون لویی ماسینیون، هانری کربن تحصیل کرد و درباره تاریخ و فرهنگ خاورمیانه از سده نهم پیش از میلاد تا سده نهم میلادی به تحقیق پرداخت و در ۱۳۳۶ خورشیدی موفق به اخذ مدرک دکتری در تاریخ اسلام و خاورمیانه شد. وی بعد از بازگشت از خارج در ۱۳۴۴ خورشیدی به خدمت تمام‌وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود و از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ خورشیدی مدیریت مجله «الاخاء» را به عهده داشت. در این میان او در کنگره‌های بین‌المللی در انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و ترکیه شرکت کرد در ۱۳۵۳ خورشیدی به‌عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد. مشکور ضمن تدریس

تاریخ فرقه‌های اسلامی به‌ویژه شیعه در دوره فوق‌لیسانس در دمشق، موفق به تأسیس دو کرسی زبان و ادبیات فارسی در دو دانشگاه دمشق و حلب شد و کتابخانه‌ای مربوط به کتب ایران و اسلام در مرکز رایزنی و کتابخانه‌ای مربوط به ایران‌شناسی در کتابخانه مرکزی دانشگاه دمشق دایر کرد. مشکور در محضر استادانی مانند علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعراى بهار و عباس اقبال، شریعت و محمد مهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت.

مشکور بیش از ۴۵ عنوان کتاب و حدود ۱۰۰ مقاله در زمینه‌های مختلف ادبی، تاریخی، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی، شخصیت‌ها و... از خود به یادگار گذاشته است. سرانجام این مورخ فرهیخته بعد از سال‌ها تلاش و خدمت در حوزه تاریخ و ادبیات در ۲۵ فروردین ۱۳۷۴ خورشیدی دیده از جهان فروبست و پیکرش در بهشت‌زهرا در قطعه ۸۸ ویژه هنرمندان و نویسندگان به خاک سپرده شد (مشکور، ۱۳۷۸: ۱۱ - ۲۱ و <https://www.irna.ir/news>).

۳. رویکرد هستی‌شناسانه در تاریخ‌نگاری نظامی مشکور

پرسش اولی که در مبحث پارادایم مطرح گردید این است که شکل و ماهیت واقعیت چیست و چه چیزی وجود دارد که می‌توان در مورد آن شناخت حاصل کرد؟ همان‌طور که گفته شد پارادایم اثبات‌گرایی از نظر هستی‌شناسی مبتنی بر واقع‌گرایی (عمدتاً واقع‌گرایی سطحی) است؛ بدان معنی که یک سری واقعیت‌های قابل‌کشف و بررسی وجود دارد. همچنین معتقد است که کنش‌های انسانی تحت تأثیر طیفی از عوامل و علل هستند که با بررسی آن‌ها می‌توان در موردشان شناخت حاصل کرد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲). اثبات‌گرایان، وظیفه علوم طبیعی را متشکل از روشن کردن واقعیات (فاکت‌ها) و تعیین چارچوب قوانین می‌پنداشتند (کالینگوود، ۱۳۸۹: ۱۶۳).^۱

نگاهی به فعالیت‌های علمی مشکور که در بخش زندگی و میراث مشکور بیان شد، روشن می‌سازد که وی نیز مثل مورخان مورد اشاره کالینگوود، تحقیق تاریخی را با

^۱ البته کلمه فاکت در تاریخ بار معنایی متفاوتی دارد. این فاکت که رومیان در قرن دوم سپاهیانشان را از خارج فراخواندند، بی‌واسطه معین نیست بلکه با استنباط از یک روند تفسیر داده‌ها بر طبق نظامی پیچیده از قواعد و فرضیات حاصل آمده است (کالینگوود، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

گردآوری توده‌های عظیم مواد دقیقاً غربال شده از انواع متفاوت انجام داد. مشکور تسلط خوبی بر مسائل زبان‌شناسی و جغرافیایی، تاریخ سیاسی - نظامی، اجتماعی، مذهبی تاریخ ایران باستان و اسلام داشت و آثار او در این حوزه‌ها از جمله مهم‌ترین مآخذ علمی به شمار می‌رود. اصطلاحی که او در این زمینه به کار می‌برد «نظری اجمالی» است (مشکور، ۱۳۴۹: مقدمه).

به نظر می‌رسد نظر اجمالی از منظر مشکور، توصیف و تبیین لفظی و معنایی مسائل و اصطلاحات و مخصوصاً اصطلاحات نظامی باشد. در مقدمه کتاب ایران در عهد باستان مشکور توضیح می‌دهد که دانشجویان رشته تاریخ افزون بر تاریخ سیاسی ایران، بایستی اطلاعات مجملی از موقعیت جغرافیای و روزگاران پیش از تاریخ ایران داشته باشند و در نگارش این کتاب مشکور اضافه می‌کند که مدارک معتبر تاریخ ایران قدیم چه به زبان فارسی و چه به زبان‌های خارجی مورد استفاده قرار گرفته است (مشکور، ۱۳۶۳: مقدمه) بنابراین مشکور برای تحریر کتب خود از طیف وسیعی از منابع پارسی باستان، پهلوی اشکانی، ساسانی و منابع مورخین یونانی و رومی و اسلامی استفاده کرده است. برخی از ویژگی‌های نگاه اجمالی در تاریخ‌نگاری نظامی مشکور که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد شامل مورد ذیل می‌گردد:

۱. توصیف و تبیین مفاهیم جغرافیای به صورت دقیق و موشکافانه؛ برای مثال درباره ناحیه قراباغ و نخجوان توضیح می‌دهد که بعد از عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای در دست امپراطوری روسیه تزاری بود. پس از شکست قشون امپراطوری این ناحیه از طرف متفقین اشغال شد و به نام محافظ از طرف ژنرال دنسترویل dunsterville از هفدهم اوت تا چهاردهم سپتامبر ۱۹۱۸ به نفع روسیه اداره می‌شد. سپس قشون ترک به سرداری نوری پاشا، با کورا در پانزدهم سپتامبر ۱۹۱۸ تسخیر کرده، حکومتی بنام آذربایجان تحت اداره دولت عثمانی تشکیل دادند. پس از توصیف به تحلیل چرایی عمل ترکان عثمانی می‌پردازد و غرض آنان از این عمل را تشکیل حکومتی در دو طرف ارس تحت نفوذ دولت عثمانی می‌داند و به این نتیجه می‌رسد که پس نام آذربایجان شوروی اسم تاریخی نیست بلکه اصطلاح سیاسی و تازه است. «این ناحیه تا زمان هخامنشی‌ها مسکن سکاها بود، بعد به تصرف ایران درآمد. در زمان اشکانیان به دست رومیان و در اوایل قرن سوم میلادی قسمت اعظم آن به دست ساسانیان افتاد. در اواخر قرن هفتم به تصرف لشکر عرب درآمد و در قرن هفده و

هیجده میلادی در دست ایران بود. پس از شکست ایران در زمان فتحعلی شاه قاجار از روس برطبق عهدنامه گلستان (۱۸۱۳م) و ترکمانچای (۱۸۲۸م) به روسیه واگذار شد» (مشکور، ۱۳۴۸: ۵۱ - ۵۲). همچنین مقاله خلیج فارس و نام آن در طول تاریخ (مشکور، ۱۳۵۵) و مقاله حدود تاریخی آذربایجان ایران (مشکور، ۱۳۴۸) را می‌توان در این زمینه برشمرد.

۲. از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری نظامی مشکور، توصیف و تبیین لفظی و معنایی اصطلاحات نظامی است. مشکور از منابع پارسی باستان، پهلوی اشکانی و ساسانی و منابع مورخین یونانی و رومی استفاده کرده است؛ به‌طور مثال وی در کتیبه بیستون «کاراهیاویث پاتی» را بخشی از آزادگان می‌داند که به ارتش دائمی و محافل درباری و دستگاه اداری جلب نشده بودند (مشکور، ۱۳۵۰: ۱۷۱)؛ همین‌طور می‌نویسد که: «فرهاد چهارم دختر خود را به فرمانده کل قوای ایران داده او را اسپهبد پهلوی (aspahpet pahlav) به معنی سپهبد پارت نامید و نیز در زمان ساسانیان جنگاوران یا ارتیشاران (artishtaran) اصل کلمه ارتیشار در اوستا «رته اشتر» (rathaeshtar) آمده که مرکب از «رته» به معنی گردونه و عرابه اشتر به معنی ایستادن و روی‌هم‌رفته به معنی گردونه ایستاده است. علت این‌که این اصطلاح برای طبقه جنگاوران بکار می‌رفته، آنست که مردان جنگاور قدیم برگردونه یا عرابه جنگی سوار شده و برزم می‌پرداختند» (مشکور، ۱۳۴۵: ۱۵۶ - ۱۵۸). طبقه کشتریا (Kshatriya) یا جنگیان در هند که شامل سپاهیان و فرماندهان و شاهان آریای می‌شد. همچنین سنانی (senani) سردار سپه بود. ایندرا (indra) رب‌النوع رعد و جنگ در بین آریایی‌های عصر ودایی بود (مشکور، ۱۳۶۳: ۶۲). از مناصب ارتشی ساسانی «ارگبذ» به معنی رئیس ارگ است که در اصل معنی فرمانده یک دژ مستحکم را داشته و سپس عنوان یک منصب لشکری بسیار مهمی شده است. اردشیر بابکان خود دارای این عنوان بود و چون به سلطنت رسید لقب ارگبذ، مخصوص خاندان شاهی شد که از عالی‌ترین مناصب لشکری بشمار می‌رفت. مناصب بزرگ لشکری عبارت بودند از: فرماندهی کل قوا، سرداری سواره‌نظام و مدیریت مخازن و انبارها. فرمانده کل سپاه را ایران سپهبد (eran-sepahbadh) می‌گفتند (مشکور، ۱۳۴۵: ۱۶۰).

مشکور درباره مفاهیم نظامی دوره ساسانی می‌گوید: سلسله‌های محلی طبرستان نیز الگویی از ساختار کشوری و لشکری ساسانیان بود که غالباً عبارت بودند از یک وزیر یا

معتمد، چند سپهسالار (غالباً امرای دست‌نشانده)، چند دبیر، چند محاسب و چند تن مأموران وصول یا محصلان مالیاتی (مشکور، ۱۳۹۶: ۱۸).

۳. اشاره به نبردهای مذهبی در تاریخ ۴. اشاره به آموزش‌های نظامی. ۵. اشاره به ابزارآلات نظامی (مشکور، ۱۳۴۵: ۹۶-۱۹۲-۱۹۷ و...، ۱۳۴۹: ۶۴-۱۲۲، ۱۳۴۸: ۳۲۹) ۶. اشاره به استحکامات نظامی که در دوره‌های مختلف برای جلوگیری از ورود اقوام در مناطق مختلف ایجاد شده است (مشکور، ۱۳۶۳: ۱۵۹) ۷. شاید آخرین ویژگی که از آثار مشکور درباره تاریخ‌نگاری نظامی می‌توان استنباط کرد اشاره به شیوه‌ها و روش‌های نبرد باشد (مشکور، ۱۳۴۹: ۶۹-۱۱۹-۱۲۱).

اما مقصود نهایی این تحقیقات مفصل چه بود؟ این تحقیقات به تبع از روح اثبات‌گرایی گرفته می‌شد و بر طبق آن روشن کردن واقعیات، فقط مرحله‌ی اول بود و مرحله دوم آن، کشف قوانین. مورخان اکثراً از اینکه به روشن کردن فاکت‌های جدید بپردازند، بسیار خشنود بودند، اما این اشتیاق چه زمانی می‌خواست وارد مرحله دوم یا همان کشف قوانین گردد؟ (کالینگود، ۱۳۸۹: ۱۶۴). اما تاریخ‌نگاری اثبات‌گرا، بخش اول - گردآوری فاکت‌ها - را پذیرفت و از بخش دوم - کشف قوانین - روی برتافت. به عبارت دیگر از آنجاکه تاریخ از جانب مورخان اثبات‌گرا، به عنوان شناخت واقعیات‌های فردی بود، به تدریج خود به عنوان رشته‌ای مستقل از علم به عنوان دانش قوانین عمومی جدا کرد (همان ۱۶۸). مشکور نیز مثل یک مورخ اثبات‌گرا فقط سعی داشت واقعیات‌های تاریخی نظامی را کشف کند و هرگز در صدد ارائه قوانین تاریخی بر نیامد و به نظر می‌رسد که او همچون بسیاری از مورخان هم‌دوره خود - مثل نصرالله فلسفی - در بیان تاریخ علمی بین «واقعیت» و «حقیقت» تاریخی تفاوتی قائل نشده و «امر واقع» را همان حقایق تاریخی می‌پندارد که باید مورخ بعد از بیان آن‌ها حکم و قضاوت خود را از آن وقایع ارائه دهد (پورفیاض و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۷) بنابراین، از نظر هستی‌شناسی، رویکرد مشکور به تاریخ و تاریخ‌نگاری نظامی، صرفاً به شناخت واقعیات‌های تاریخی خلاصه می‌شود.

۴. رویکرد معرفت‌شناسانه در تاریخ‌نگاری نظامی مشکور

سؤال دومی که در مبحث پارادایم مطرح شد، پرسش‌های معرفت‌شناسانه‌ای است که به ماهیت رابطه بین شناسا و شناخته (آنچه شناخته می‌شود) می‌پردازد. به عبارت دیگر، رابطه بین شناسا و شناخته چیست؟

از نظر معرفت‌شناسی، پارادایم اثبات‌گرایی دوگرا^۱ و عین‌گرا^۲ است؛ یعنی فرض می‌شود که محقق و سوژه‌های موردتحقیق دارای موجودیت‌های منفصل و جدا از یکدیگرند و محقق نیز تأثیری در بررسی این سوژه‌ها ندارد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۳) و با ادراک حسی روشن می‌گردند (کالینگوود، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۴).

امکان یا عدم امکان بی‌طرفی مورخان در عرصه توصیف و تحلیل مسائل تاریخی از مقولات معرفت‌شناسی تاریخی است (مفتخری، ۱۳۹۳: ۷۱). معرفت‌شناسی پوزیتیویستی یا عینیت‌گرایی^۳ معتقد به امکان‌پذیری قرار گرفتن تحلیل‌گران علوم انسانی و از جمله مورخان در مقامی کاملاً بی‌طرف هستند؛ اما آیا امکان مشاهده مستقیم و تکرار حوادث وجود دارد؟ آیا معرفت تاریخی می‌تواند به ترسیم و تجسم عینیت گذشته بپردازد؟ آیا اشکال جانبدارانه حذف، انتخاب و تفسیر بر چشم‌انداز مورخان اثر نمی‌گذارد؟ آیا فعالیت‌های با ارزش را مورخان بی‌ارزش جلوه نمی‌دهند؟ آیا عقلانیت، توانایی مطالعه جهان بدون توجه به تمایلات را دارد که با سیاست، اعتقادات اخلاقی، ایدئولوژی یا تعهد به یک طبقه یا گروه اجتماعی ساخته می‌شوند؟ آیا یک واقعیت مطابق با مفهوم «جنگ» وجود دارد یا یک گردآوری از نوشته‌های متفاوت از آن است؟ (Little, 2017) و آیا استفاده از اسناد، تصویری ناقص و نارسا از اصل رویدادها ارائه نمی‌دهد؟ (ملایی توانی، ۱۳۹۲: ۳۲) در نتیجه مورخ به اعتبار انسان بودن نمی‌تواند در تحلیل مسائل نسبت به آن‌ها کاملاً بی‌طرف بماند (مفتخری، ۱۳۹۳: ۷۱). به قول سروش «هیچ نوشته و تحلیل تاریخی نیست که از کلماتی چون خدمت، خیانت، توطئه، اصلاح، جنایت، تکامل، انحطاط، شکست، فریب و امثال آن‌ها تهی باشد. این کلمات هر جا یافت شوند، نماینده نوعی قضاوت و ارزیابی خواهند بود» (سروش، ۱۳۵۸: ۳۶). دیدگاه عینی‌گرا، از تاریخ‌نگار یک خبرنگار می‌سازد (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۱) و به قول کالینگوود

^۱ Dualist

^۲ Objectivist

^۳ objectivists

«اثبات‌گرایان سعی داشتند از تاریخ نه یک فلسفه، بلکه یک علم تجربی مانند هواشناسی بسازند» (کالینگوود، ۱۳۸۹: ۷). به نظر ماکالا، بهترین پادزهر پرهیز از جانبداری، پابندی آگاهانه سفت‌وسخت به عقلانیت در نوشته‌های تاریخی است «این پابندی عبارت است از جست‌وجوی آگاهانه شواهد ناسازگار با فرضیه مرجح، پیش از دفاع کردن از درستی آن فرضیه است» (ماکالا، ۱۳۸۷: ۶۵).

بزرگ‌ترین مانعی که در برابر آرمان عینی‌گرایانه تاریخ‌نگار قرار می‌گیرد، حضور ناگزیر خود او در متن، ضرورت مداوم مراجعه او به پیش‌فهم‌ها و دیدگاه نظری موردقبولش، شیوه‌اش در تأویل حادثه‌ها، نیت‌ها و اهدافش در ادامه کار است. در یک کلام «دشواری اصلی جهان‌بینی تاریخ‌نگار و احتمال بسیار قوی، تحمیل آن به پژوهش و نیز به متن نهایی یعنی به تاریخ‌نوشتاری است» (احمدی، ۱۳۹۳: ۴۲) بنابراین، مورخ باید دیدگاه خود را به‌روشنی بیان کند و پذیرای دیدگاه‌های دیگر شود (انتخابی، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

مسئله دیگر، بازسازی گذشته در معرفت تاریخی است. مورخان گاهی از بازسازی گذشته می‌گویند. به قول استنفورد، گذشته را نمی‌توان کاملاً بازسازی کرد (استنفورد، ۱۳۸۶: ۱۹۲) و حتی فیلسوفان تاریخ چون کالینگوود که معرفت تاریخی را از طریق بازسازی ذهنی گذشته می‌دانند، امکان‌پذیر نیست. در نگرش کالینگوود تاریخ، داستان حوادث پیاپی نیست؛ بلکه مورخ با افکار سروکار دارد و حوادث از آن‌جهت که تجلی برونی افکار است، برای او اهمیت دارد. مورخ باید برای کشف این افکار به بازاندیشی آن‌ها در ذهن خویش پردازد. به‌منظور دست‌یابی به این بازاندیشی، او باید بافتی را که انسان در آن قرار داشته و برداشت آن انسان از بافت موردنظر را بازسازی کند و بفهمد. هنگامی که مورخ حادثه و فکر مبین آن را فهمید، دیگر نیازی به پژوهش درباره‌ی علل آن‌ها نیست. وقتی که او بداند چه روی داده، در همان حال می‌داند که چرا روی داده است. بدین‌جهت مورخ از ظاهر و برون رویدادها عبور کرده و به درون آن‌ها نفوذ می‌کند (کالینگوود، ۱۳۸۹: ۲۷۶-۲۷۰). همچنین ما تجارب خود را به‌واسطه زبان تفسیر و تعبیر می‌کنیم و شناخت ما از جهان، به‌واسطه توصیف‌های ما از آن شکل می‌گیرد، پس شناخت ما از جهان چیزی نیست که کشف می‌کنیم؛ بلکه چیزی است که خلق می‌کنیم. این شناخت بر پایه مفاهیم خود و در قالب زبان خود است. در نتیجه هیچ راهی برای اثبات درستی نتایج به‌دست‌آمده از طریق این‌گونه استدلال‌ها وجود ندارد.

زیرا هیچ‌گونه دسترسی مستقیم و بی‌واسطه به جهان برای محک زدن درستی نتایج نداریم. بنابراین کار مورخان کشف واقعیت‌هایی درباره گذشته نیست، بلکه بر ساختن آن‌هاست (مکالا، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۴)

مشکور در گفتمان تاریخ‌نگاری اثبات‌گرایی اقدام به نگارش تاریخ می‌کند. تاریخ‌نگاری نظامی وی نیز کمتر نسبی‌گرا و بیشتر اثبات‌گراست. بدان معنی که وی کمتر از مفاهیمی چون به نظر می‌رسد و شاید و احتمال دارد و ... استفاده نموده است. چراکه در تاریخ‌نگاری اثبات‌گرایی تاریخ امری ثابت، مطلق و نهایی است و در صورت کفایت شواهد و مدارک می‌توان یک‌بار و برای همیشه تاریخ نهایی پدیده را نوشت (آقاجری، ۱۳۹۶: ۱۵).

به‌طور مثال مفهوم قراباغ که مشکور آن را به‌صورت امری ثابت و مطلق باغ سیاه تعریف می‌کند (مشکور، ۱۳۴۸: ۵۱). به نظر می‌رسد در این مورد دچار اشتباه شده است. شاید این اصطلاح به مفهوم باغ بزرگ باشد. در تحقیقی که آقای فیروز منصوری درباره اصطلاحات آق، قرا، گوی، قزل انجام داده است، به این نتیجه رسیده که اکثر نویسندگان و پژوهشگران ایرانی و خارجی در تعریف مفاهیم آق، قرا، گوی، قزل دچار اشتباه شده‌اند و آن‌ها را به معنی و مفهوم عام و صفت مطلق رنگ‌های سفید و سیاه و کبود و سرخ معنی کرده‌اند (منصوری، ۱۳۸۴: ۱۷). مطالعات آقای منصوری نشان می‌دهد که هرگاه کلمات مورد اشاره با اسماء عام و عادی بکار رود، پیشوندها صفت مطلق رنگ‌ها را بیان می‌کنند. ولی هرگاه به‌صورت خاص باشد در این صورت پیشوندهای مزبور به معنی بزرگ، عظیم، شکوهمند، نیرومند، شریف و مقدس به حساب می‌آیند (همان: ۱۸).

مثال بعدی در شیوه بازتاب شخصیت انوشیروان در منابع تاریخی و ادبی دوره میانه و مطالعات اخیر است. در مقاله سرکوبگر بدعت و نماد عدالت انوشیروان در تاریخ‌نگاری اسلامی، بیان شده که انوشیروان به‌عنوان پادشاهی دادگستر و باکفایت است و این امر به‌عنوان یک واقعیت تاریخی مورد قبول واقع شده است. چنانچه تورج دریایی در کتاب شاهنشاهی ساسانی، زرین‌کوب در کتاب تاریخ مردم ایران، ریچارد فرای در کتاب تاریخ باستان، عباس اقبال و حسن پیرنیا در کتاب تاریخ ایران قبل از اسلام و آرتور کریستین سن در کتاب تاریخ ایران در زمان ساسانیان، این دوره به‌عنوان رخشان‌ترین دوره ساسانی و انوشیروان به‌عنوان نماد عدالت معرفی شده است (ایمانپور

و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲). همین رویکرد را مشکور در کتاب ایران در عهد باستان در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام اشاره کرده است. در بخشی از کتاب چنین آمده است: «انوشیروان قضاة را مأمور کرد که مراقبت کنند تا مالیات‌های عادلانه وصول شود و اگر خساراتی متناسب با مالیات بر گندم و باغ اشخاص وارد آید، آنان را از ادای مالیات معاف کنند» (۱۳۶۳: ۴۳۸) همچنین دوره سلطنت انوشیروان را از رخشان‌ترین دوره‌های عهد ساسانی می‌داند و چنین بیان می‌کند: «ایران چنان عظمتی یافت که حتی از عهد دو شاهپور بزرگ درگذشت... در زمان او سلسله ساسانی به اوج عظمت خود رسید... این پادشاه توانست با برقراری اصلاحات اجتماعی تازه‌ای اثرات انقلابی بزرگی را از ایران ریشه‌کن کند» (همان: ۴۵۱) به نظر می‌رسد این تصویر از انوشیروان در پژوهش‌های اخیر، بیش از این که مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی باشد، بیشتر به دلیل تکیه و اعتماد به گزارش متون تاریخی از منظر گزارشی برابر با واقعیت است که در عمل همان نگرش تاریخ‌نگاری اسلامی در قرون میانه به انوشیروان به‌عنوان نماد عدالت به سبب اقداماتش در این دوران نیز تداوم یافته است. می‌توان این تصویر ارائه‌شده در تاریخ‌نگاری معاصر را فهم طبیعی شده و بدیهی تلقی کرد (ایمانپور و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳).

بنابراین باید گفت که برخلاف نظر مشکور و هم‌قطاران او که گذشته را به‌سان یک واقعیت ثابت می‌دانستند و این واقعیت‌گرایی جایی برای نسبی‌گرایی نمی‌گذارد، باید گذشته را نسبی دید. چراکه منابع تاریخی، داده‌ها و محتویات خود را به‌صورت ثابت در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند؛ اما سطح فهم و برداشت خوانندگان از آن داده‌ها، تابعی از سطح دانش و آگاهی تاریخی آن‌ها درباره‌ی موضوع آن داده‌هاست. اگرچه متن ثابت است، اما فهم و برداشت محققان همواره سیال و متغیر است. هر محققى بتواند به‌وسیله‌ی دانش تاریخی خود منابع را بیشتر به حرف دریاورد، موفق‌تر است. آنچه بر داده‌های خام منابع شکل و قالب می‌بخشد، سطح دانش تاریخی ماست؛ بنابراین درک و برداشت از منابع، همواره متفاوت و متغیر است (حضرتی، ۱۳۸۹: ۲۱).

آثار مورخان این دوره و اساساً هر عصری، محیط فکری و بازتاب بافت سیاسی و اجتماعی مناسبات قدرت و نیز چارچوب ایدئولوژیکی خاصی را نشان می‌دهد که مورخ در آن می‌زیسته است. مشکور نیز تحت تأثیر این زیست‌جهان و مبانی و پیش‌فرض‌های و شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم در دوره پهلوی، به نگارش متون

تاریخی روی آورد. در دوره پهلوی مورخان و پژوهشگران، با شرایط و وضعیت اجتماعی و سیاسی زیر مواجه بودند: نخست اینکه آن‌ها با آشنایی از تحولات و پیشرفت علمی و فنی غرب متأثر از اندیشه ترقی، با دستیابی به روش و بینش و پیش‌فرض‌های علم سکولار، جبران ضعف و نقیصه تاریخ‌نگاری ایرانیان را وظیفه خود می‌دانستند. دوم: از آنجاکه مؤلفه قدرت، گفتمان شاهنامه‌نویسی یا تاریخ‌نگاری رسمی را با ایدئولوژیک کردن ناسیونالیسم در قالب شاهنشاه‌نویسی، برای مشروعیت بخشیدن مدنی به حکومت پهلوی، بر مراکز علمی و فرهنگی حاکم کرده بود، تاریخ‌نویسی شاهی و سلسله‌ای پادشاهان ایران خصوصاً دوران باستان در بین مورخان آن دوره به رویه‌ای رایج مبدل شد؛ به طوری که تاریخ‌های عمومی دوره پهلوی خلاف تاریخ‌های عمومی دوره اسلامی از شاهان ایران باستان و به‌طور مشخص از کوروش آغاز می‌شد و به همین دلیل در تقابل با تاریخ‌نگاری عمومی و سنتی ایرانی اسلامی قرار گرفت (مولایی توانی، ۱۳۹۵: ۳۴). بررسی آثار مشکور به لحاظ فراوانی نشان می‌دهد، دوره باستان ۲۹.۷۸ درصد از کتب وی را شامل می‌گردد و این درحالی‌که است که آثار دوره اسلامی وی ۷۰.۲۱ درصد است و این نشان می‌دهد که وی گرایش به نگارش تاریخ دوره اسلامی داشته تا دوره باستان. همچنین از منظر موضوع، نشان می‌دهد که کمترین میزان فراوانی به لحاظ موضوعی تاریخ اجتماعی با ۲.۱۲ درصد و بیشترین میزان فراوانی با ۴۲.۵۵ درصد مربوط به مسائل مذهبی است. مسائل نظامی با ۶.۳۸ درصد یکی از کمترین موضوعات پرداخته‌شده توسط مشکور بوده است. البته این را نیز باید در نظر داشت که تقسیم‌بندی موضوعات به این نحو شاید از منظری درست هم نباشد چراکه موضوعات سیاسی و مذهبی گاهی جدایی از موضوعات نظامی نیستند و باهم همپوشانی دارند و همان‌طور که در تعریف تاریخ‌نگاری نظامی عرض شد، تاریخ‌نگاری نظامی از قدیمی‌ترین گونه‌های تاریخ‌نگاری است؛ چراکه پیوند ناگسستنی با مسائل سیاسی داشته و اساساً تاریخ‌نگاری تا دوره مدرن، تاریخ‌نگاری سیاسی - نظامی است. از این رو با جمع بین آثار سیاسی مذهبی و نظامی درصد قابل‌توجهی از آثار مشکور تاریخ‌نگاری سیاسی نظامی محسوب می‌شود.

جدول فراوانی کتب مشکور به لحاظ دوره

| ردیف | دوره باستان | دوره اسلامی | تعداد کل کتب |
|-------|-------------|-------------|--------------|
| تعداد | ۱۴ | ۳۳ | ۴۷ |

| | | | |
|------|-------|-------|-----|
| درصد | ۲۹.۷۸ | ۷۰.۲۱ | ۱۰۰ |
|------|-------|-------|-----|

جدول فراوانی کتب مشکور به لحاظ موضوع

| نظامی | سیاسی | اجتماعی | مذهبی | ادبی | جغرافیایی | فلسفه و کلام | جمع |
|-------|-------|---------|-------|-------|-----------|--------------|-----|
| ۳ | ۸ | ۱ | ۲۰ | ۹ | ۴ | ۲ | ۴۷ |
| ۶.۳۸ | ۱۷.۰۲ | ۲.۱۲ | ۴۲.۵۵ | ۱۹.۱۴ | ۸.۵۱ | ۴.۲۵ | ۱۰۰ |

۵. رویکرد روش‌شناسانه در تاریخ‌نگاری نظامی مشکور

پرسش روش‌شناسانه، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که پژوهش‌گر چطور می‌تواند به یافتن و شناسایی پدیده‌هایی بپردازد که باور دارد می‌توان آنها را شناخت؟ پاسخ به این پرسش نیز با ارجاع به دو پرسش قبلی، یعنی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی همراه است.

روش‌شناسی پارادایم اثباتی را در اصطلاح، آزمایشی - دست‌کاری کننده می‌خوانند؛ به این صورت که سؤال‌ها و فرضیه‌ها به شکل قضیه‌ای (شامل گزاره‌های خبری یا عبارت‌های شرطی) مطرح‌شده و برای تأیید، تحت آزمون تجربی قرار می‌گیرد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۳) به نظر اثبات‌گرایان، فرایند تاریخی نوعاً با فرایند طبیعی یکی بود و از این‌رو روش‌های علوم طبیعی را می‌شد برای تفسیر تاریخ به کار برد (کالینگوود، ۱۳۸۹: ۱۶۵). در این پارادایم می‌توان از دو نوع استدلال استقرایی و استدلال قیاسی فرضیه‌ای استفاده کرد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۳).

در تفکر تجربی روش استقرایی مبنای کار است؛ بدین معنی که با مشاهده و آزمایش و شناخت ماهیت پدیده‌ها می‌توان با شناخت جزئی‌ها و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، به کلی پی برد و قوانین و نظامات کلی را نتیجه‌گیری کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۵)؛ اما مسئله این است که تبیین تاریخی از منطق علمی علیت، استقراء و قیاس پیروی نمی‌کند، بلکه تابع منطق داستان است. در یک پی‌رفت تاریخی، به معنای فهم روایتی است که نمایان می‌کند چگونه رویدادی به رویداد دیگر منجر می‌شود. نگارش تاریخ یعنی تابع منطق و ساختار روایی شدن (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

تاریخ‌نگاری نظامی مشکور بر اساس روش توصیفی - تحلیلی است. طبق این روش ابتدا مسائل تاریخی از روی منابع متعدد و متنوع توصیف و سپس تحلیل می‌شد؛ به‌طور مثال وی در تحلیل و علت‌یابی شکست ایرانیان در مقابل یونانیان آورده است: «۱) لشکریان ایران مشق کرده و ورزیده نبودند؛ ۲) یونانیان در اراضی ناهموار جنگ می‌کردند که بدان مأنوس و آشنا بودند، در صورتی‌که ایرانیان به دشت‌های پهناور و هموار آسیا معتاد بودند؛ ۳) حس ازخودگذشتگی و وطن‌پرستی یونانیان و آزادی‌خواهی ایشان مانع پیشرفت ایرانیان گردید؛ ۴) در جنگ‌های بحری ایرانی‌ها مردمی دریانورد نبودند؛ ۵) دیگر واژه‌ها خشاری‌اشا و عجله او در مراجعت به آسیا و سپردن کار به دست مردی ممالطه کار مانند مردونیه؛ ۶) نظم قشون ایران به‌هیچ‌وجه خوب نبود». در تحلیل تعداد لشکر ایران در مقابل یونان نیز معتقد است که نویسندگان یونانی در عده سربازان خشاری‌اشا مبالغه کرده‌اند و چنین می‌گوید: «به قول هرودوت این عده از پنج میلیون نفر متجاوز است. البته این مقدار را نمی‌توان باور کرد. ولی چون ایرانیان به کثرت عدد اهمیت می‌دادند شاید بتوان قبول کرد که نیروی بری و بحری بانضمام تبعه و خدمتگزاران به یک میلیون نفر رسیده باشد. از این یک میلیون پس از موضوع کردن جاشوان کشتی‌ها دویست هزار مرد جنگی می‌ماند» (مشکور، ۱۳۶۳: ۲۲۶ - ۲۲۷)

در غالب آثار، مشکور کوشیده است تا به قول خود با روشی تحقیقی و منصفانه آثار خود را به رشته تحریر درآورد؛ به‌طور مثال در کتاب تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، مشکور کوشیده است غالب اطلاعات را که یک متتبع و طالب معرفت تاریخ تحولات شیعه و فرقه‌های اسلام در قرون اولیه هجری احتیاج دارد به‌طور فشرده و جامع و با روشی تحقیقی و منصفانه به رشته تحریر درآورد (مشکور، ۱۳۷۹: ۱) و یا در کتاب نام خلیج فارس در طول تاریخ کوشیده است از روی مدارک تاریخی و متقن و دنیایسند که سلسله روایات آن‌ها از قرن‌ها پیش تا به امروز ادامه دارد، نام واقعی خلیج فارس را معرفی کند (۱۳۵۵: ۱). همچنین در کتاب خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ از عبارت روش منطقی استفاده کرده است (۱۳۷۷: سه) که دقیقاً مشخص نیست مقصودش از این عبارت چیست؟ در کتاب دینکرد نیز گذشته از اینکه تقریباً تمام اقوال خاورشناسان مغرب زمین آمده است، از مطالب نویسندگان و مورخان اسلامی اعم از عرب و ایرانی راجع به اوستا و اخبار مجوس نیز با ذکر مأخذ و سند تا

آنجا که مؤلف دسترسی داشت استفاده شده است و در نگارش این کتاب مؤلف کوشیده است که از روش تحقیقی معمول خود منحرف نشده و حتی المقدور از مباحث تبلیغی و خطابی که احساسات منفی خوانندگان را تحریک می‌کند احتراز جوید (مشکور، ۱۳۲۵: دو)

بنابراین روش غالب در تاریخ‌نگاری نظامی محمدجواد مشکور را باید روش توصیفی تحلیلی دانست که بر اساس طیف گسترده‌ای از منابع شکل گرفته است. این امر برگرفته از روش تاریخ‌نگاری اثباتی و تجربی است. در این شیوه یا ارائه مدل مکانیکی از انسان بر اساس مشاهدات و واقعیت‌های بیرونی، با استناد بر اسناد و مدارک واقعی، روابط علی بین حوادث تاریخی را پیدا و طبق آن‌ها قضاوت می‌نمایند (پورفیاض، ۱۳۹۶: ۴۵).

نتیجه‌گیری

مورخان در دوره پهلوی با آشنایی از تحولات بینشی و روشی غرب و با دستیابی به روش و بینش و پیش‌فرض‌های علم سکولار، اقدام به تاریخ‌نگاری نمودند. در این دوره، روش اثبات‌گرایی و تجربی به‌عنوان پارادایم غالب تاریخ‌نگاری به کار گرفته شد و افرادی چون محمدجواد مشکور از این پارادایم در تبیین مسائل تاریخی استفاده کردند. مورخان با این پارادایم در تحقیقات تاریخی، به نگارش تاریخ مبادرت نمودند و سعی داشتند بدون دخالت اغراض و ذهنیت خود، به قضاوت وقایع تاریخی بپردازند. مشکور نیز به‌عنوان یک مورخ پرکار، نمونه بسیار مناسبی برای پردازش و تحلیل تاریخ‌نگاری اثبات‌گرایی در این دوره به نظر رسید. روش و بینشی که مشکور در تبیین مسائل تاریخی به‌کاربرده، در پارادایم اثبات‌گرایی جای می‌گیرد؛ یعنی استفاده از بنیان‌های معرفتی و روشی پوزیتویست‌ها. چراکه مشکور به لحاظ هستی‌شناسی قائل به‌واقع‌گرایی (عمدتاً واقع‌گرایی سطحی) بود و به لحاظ معرفت‌شناسی محقق و سوژه‌های موردتحقیق را موجودیت‌های منفصل و جدا از یکدیگر می‌دانست که از یکدیگر تأثیر و تأثر نمی‌پذیرند و از منظر روش‌شناسی قائل به روش توصیفی تحلیل بود. همچنین با توجه به اینکه هر دو سبک سنتی قدیم و جدید علم تاریخ‌نگاری را می‌دانست، می‌توان وی را حلقه اتصال بین تاریخ‌نگاری سنتی و مدرن دانست.

فهرست منابع و مآخذ:

- قرآن کریم.
- ابن‌بی‌بی (۱۳۵۰)، اخبار سلاجقه روم، به انضمام مختصر سلجوقنامه ابن‌بی‌بی، تحقیق و تعلیق محمدجواد مشکور، ناشر: کتاب‌فروشی تهران.
- احمدی، بابک (۱۳۹۳)، رساله تاریخ، چ چهارم، نشر مرکز.
- استفورد مایکل (۱۳۸۲)، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل‌محمدی، نشر نی.
- _____ (۱۳۸۶)، درآمدی بر تاریخ‌پژوهی، ترجمه مسعود صادقی، نشر سمت.
- انتخابی، نادر (۱۳۸۰)، رمون آرون: نقد تاریخ و سیاست در روزگار ایدئولوژی‌ها، تهران، هرمس.
- ایمانی‌پور، محمدتقی، زهیر صیامیان گرجی و ساناز رحیم‌پور (۱۳۸۹) «سرکوب‌گر بدعت و نماد عدالت انوشیروان در تاریخ‌نگاری اسلامی»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال دوم، شماره ۶، پاییز.
- آقاجای، سیدهاشم (۱۳۹۶)، «رهیافت پسامدرنیستی به تاریخ؛ هایدن وایت»، دوفصلنامه علمی تخصصی خردنامه، بهار و تابستان.
- پورفیاض، نصرالله و علیرضا علی‌صوفی و داریوش رحمانیان (۱۳۹۶)، «نصرالله فلسفی و تاریخ‌نگاری جدید در ایران»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا (س)، سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۱۹، پیاپی ۱۰۴، بهار و تابستان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، چ شانزدهم نشر سمت.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۹)، «طرحی مقدماتی درباره‌ی گونه‌شناسی مراجع تاریخی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۹.
- دری، ویلیام (۱۳۸۹)، «تبین و فهم در تاریخ»، ترجمه مسعود صادقی علی‌آبادی، فصلنامه متین، شماره ۵.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۵۸)، فلسفه تاریخ، چ دوم، چاپخانه طلوع آزادی.
- کالینگوود، رابین جورج (۱۳۸۹)، مفهوم کلی تاریخ، ترجمه علی‌اکبر مهدیان، نشر کتاب آمه.
- ماکالا، سی. بی‌ین (۱۳۸۷)، بنیادهای علم تاریخ، چینیستی و اعتبار شناخت تاریخی، ترجمه احمد گل‌محمدی، چ اول، نشر نی.

- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، ضد روش منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، جلد ۱، تهران، چ اول، نشر جامعه شناسان.
- مرعشی، سید نصیرالدین (۱۳۹۶)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، مقدمه محمدجواد مشکور و علی اصغر عبداللهی، چاپ دوم.
- مشکور محمدجواد (۱۳۴۵)، *طبقات مردم در ایران قدیم*، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۳.
- _____ (۱۳۴۶)، «دین بودا در ایران باستان»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۲ سال ۲.
- _____ (۱۳۴۸)، «سوابق تاریخی ایران و پاکستان و ترکیه»، مجله وحید، شماره دهم، سال ششم.
- _____ (۱۳۴۸)، «حدود تاریخی آذربایجان ایران»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۰ و ۲۱.
- _____ (۱۳۴۸)، «فتنه حروفیه در تبریز»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۲.
- _____ (۱۳۴۹)، «پهلوها یا پهلوانان»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۶۰.
- _____ (۱۳۶۳)، ایران در عهد باستان، در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام، انتشارات اشرفی.
- _____ (۱۳۵۵)، «خلیج فارس و نام آن در طول تاریخ»، بررسی‌های تاریخی بهمن و اسفند، شماره ۶۸.
- _____ (۱۳۴۴)، «دین مانی»، مجله وحید، شماره ۱۰، سال ۳.
- _____ (۱۳۴۵)، «اخلاق ایرانیان در پیش از اسلام»، بررسی‌های تاریخی شماره ۵ و ۶.
- _____ (۱۳۴۵)، «نظری به مذهب در ایران»، مجله مسائل ایران، شماره ۳۵.
- _____ (۱۳۴۸)، «حدود تاریخی آذربایجان ایران»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۰ و ۲۱.
- _____ (۱۳۴۹)، «ترکان غز و مهاجرت ایشان به ایران»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۴ سال ۵.
- _____ (۱۳۴۹)، «ترکان غز و مهاجرت ایشان به ایران (بقیه از شماره پیشین)»، بررسی‌های تاریخی، ش ۵، سال ۵.
- _____ (۱۳۴۹)، «روزهای خوش مسیحیان در ایران باستان»، انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره هشتم، شماره ۵۹.

پارادایم تاریخ‌نگاری نظامی محمدجواد مشکور | ۲۱

- _____ (۱۳۴۹)، نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن، چاپخانه بهمن، انتشارات انجمن آثار ملی.
- _____ (۱۳۵۰)، «گئوماتای مغ»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۵، سال ۶.
- _____ (۱۳۷۸)، نامه باستان، (مجموعه مقالات)، به اهتمام سعید میر محمدصادق و نادره جلالی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ (۱۳۲۴-۱۳۲۵)، «تاریخ مذهب شیعه»، مجله جلوه، شماره ۵.
- _____ (۱۳۲۹)، کارنامه اردشیر بابکان، چاپخانه دانش.
- _____ (۱۳۷۹)، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، تهران، اشراقی.
- _____ (۱۳۷۷)، خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، انتشارات شرق.
- _____ (۱۳۲۵)، دینکرد، مشتمل بر بخش‌های دینکرد، تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی.
- مفتخری حسین، زهیر صیامیان و سعید موسوی‌سیانی (۱۳۹۳)، نظریه شناخت تاریخی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- مفتخری، حسین (۱۳۹۳)، مبانی علم تاریخ، چ چهارم، نشر سمت.
- ملایی‌توانی، علی‌رضا (۱۳۹۲)، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، چ هفتم، نشر نی.
- _____ (۱۳۹۵)، گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منصور، فیروز (۱۳۶۲)، پژوهشی درباره اصطلاحات آق-قرا-گوی-قزل، مقدمه کتاب تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری از عباس اقبال آشتیانی، تهران، امیرکبیر.
- نوذری، حسین‌علی (۱۳۷۹)، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران، طرح نو.

1. <https://www.irna.ir/news>

2. Little, Danil (2017), Philosophy of History, Stanford Encyclopedia of Philosophy.

THE HISTORICAL STUDY OF WAR
Scientific Journal, Scientific Research Article
Vol. 5, Issue 1, No.15, Spring 2021

The Paradigm of the Military Historiography of Mohammad Javad Mashkoo

Ebrahim Aslani Malayeri;^{*} *Reza Mohammadi*;^{**}
Saiedeh Soltani Moghaddam;^{***}

Abstract

Historiography from ancient times to the present day has gone through different approaches and according to different paradigms, different types of historiography have been formed. Basically, until constitutional revolution, Iranian historiography is political-military and the familiarity with the method and the new insights of historiography from that era onward made different historical approaches emerge. One of the most important historians of the post-Pahlavi era is Mohammad Javad Mashkoo whose military historiography grew within this discourse. This study thus intends to determine his military historiography taking a descriptive-analytical approach. It attempts to address the question of the paradigm of Mashkoo's historiography. The findings of the study indicate that Mashkoo adopts a positivist approach in his military historiography because he seems to have ontologically believed in realism and merely attempted at realizing historical facts. Epistemologically, he considered the researcher and the subjects under study as separate entities that do not affect each other. He also assumed past as a fixed reality and this sort of realism does not allow any room for relativism. Finally, from the methodological point of view, he believed in the descriptive-analytical method.

Keywords: Mohammad Javad Mashkoo, military historiography, paradigm, positivism.

* Corresponding Author: Faculty Member, Department of History, Arak University;
Email: aslani.ebrahim@gmail.com

**PhD Student of Islamic Revolution, Bu-Ali Sina University; Email:
reza.muhammadi90@gmail.com

***PhD Student of Islamic Revolution, Bu-Ali Sina University; Email:
saedesoltanimoghaddam@gmail.com

| Received: October 5, 2020; Accepted: April 4, 2021 | DOI:10.29252/HSOW.5.1.1|